

هویت فرهنگی ما ایرانیان

فصل سوم





اهداف فصل سوم

- در پایان این فصل، انتظار می‌رود دانش آموز:
- ۱- آشنایی لازم با سابقه فرهنگی ما ایرانیان را به دست آورده باشد.
 - ۲- توانایی تبیین مناسبات فرهنگ اسلام و ایران را داشته باشد.
 - ۳- با پیوستگی فرهنگی ایرانیان آشنا باشد و توانایی تداوم آن را به دست آورده باشد.
 - ۴- با اهمیت و ضرورت انسجام فرهنگی آشنا باشد و مهارت تقویت وحدت ملی را کسب کرده باشد.
 - ۵- روحیه «خودباوری فرهنگی» را در خود تقویت کرده باشد.
 - ۶- به ویژگی‌های مثبت فرهنگ ایرانیان باور داشته باشد و توانایی اصلاح خلیات منفی را به دست آورده باشد.



درس اول

تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان



◆ فرهنگ ایران از گذشته‌های دور تا کنون

«تداوم فرهنگی» یا «پیوستگی فرهنگی» در یک کشور، به چه معناست؟ وجود تداوم فرهنگی، چه دستاوردها و پیامدهایی دارد؟

سرزمین ما ایران، یکی از کهن‌ترین تمدن‌ها و از جوامع دیرپا و کهن جهان است که سابقه تمدنی آن به بیش از هفت هزار سال قبل می‌رسد. اجداد ما، در قالب اقوام مختلف، از هزاران سال قبل، در این سرزمین زیسته‌اند و فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود را داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان، که در بین ملل دیگر به ندرت هم‌تا و هم‌سنگی دارد، استمرار فرهنگی یا «تداوم و پیوستگی فرهنگی» آن در طول تاریخ است.



«تداوم و پیوستگی» در فرهنگ ایرانی به این معناست که برخی از ویژگی‌ها و عناصر فرهنگ ایرانی در طول زمان حفظ شده و استمرار یافته و کمتر دچار تحولات بنیادی شده است.



فرهنگ ایرانی، در طول چند هزار سال گذشته، پایدار و منسجم باقی مانده و عناصر کلیدی و اصلی خود را در فراز و نشیب‌های فراوان، حفظ کرده است. این فرهنگ از نسلی به نسل بعد منتقل شده و تا امروز، تداوم یافته است. به همین دلیل، میان قدیمی‌ترین نشانه‌ها و آثار فرهنگی که در کاوش‌های باستان‌شناسانه و مطالعات تاریخی به دست آمده، و میان آیین‌ها و مراسم باقی مانده از گذشته‌های دور، با عناصر فرهنگ کنونی ایرانیان، یک «پیوستگی» بارز و قابل اثبات، مشاهده می‌شود. این پیوستگی، نشان می‌دهد که به رغم گسست‌های سیاسی و تحولات عمیق در تاریخ این سرزمین، «فرهنگ ایرانی» دچار گسست نشده و به سیر پیوسته و تکاملی خود ادامه داده است. البته این تداوم و پیوستگی، به معنای عدم تغییر و تحول در فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران نیست. جامعه ایران، مانند همه جوامع دیگر، تحت تأثیر شرایط محیطی، تهاجمات خارجی، تغییرات آب و هوایی، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی جمعیت، پدید آمدن و از بین رفتن شهرها و زیستگاه‌های انسانی و ... همواره دچار تغییراتی بوده است. به ویژه، آمد و رفت دولت‌ها و حکومت‌ها با گرایش‌ها و باورهای متفاوت و منافع خاص خود، باعث تحولات مهم در جامعه ایران شده است، اما آنچه در این میان ثابت مانده، عناصر فرهنگی و «روح جمعی» حاکم بر ایران است که نظریه «تداوم فرهنگی» را به اثبات می‌رساند. به بیان دیگر ما، در تاریخ طولانی خود، گسست سیاسی داشته‌ایم، اما گسست فرهنگی نداشته‌ایم. سلسله‌های پادشاهی پرشماری بر ایران حکومت کرده‌اند که نحوه حکومت‌داری آنها با هم متفاوت بوده است، اما ما ایرانیان، از هزاران سال پیش تا به امروز، فرهنگ یکپارچه و پیوسته‌ای داشته‌ایم که مشابه آن در میان کشورهای دیگر، بسیار کم و نادر است.

یکی از عناصر مهم فرهنگ، زبان و ادبیات است که آرمان‌ها، اهداف، باورها و رفتار مردم را متجلی و پایدار می‌سازد. پیوستگی فرهنگی سبب شده است تا زبان و ادبیات فارسی طی صدها سال، حفظ شده و اندک تغییراتی را به خود ببیند. به همین دلیل ما زبان و مفاهیم اشعار و ادبیات شاعران قرن‌های قبل مانند رودکی یا فردوسی را به خوبی و راحتی درک کرده و با آن ارتباط برقرار می‌کنیم. در حالی که زبان و ادبیات کهن بسیاری از کشورهای دیگر، برای جوانان امروز آنها غریبه و ناآشناست و گاه برای درک یک سروده و یا متن متعلق به چند صد سال پیش خود، نیاز به مترجم دارند.

ابعاد تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان، محدود به مرزهای داخل کشور نمانده است بلکه حوزه‌های دیگر، مانند آسیای مرکزی و منطقه قفقاز و افغانستان و شبه جزیره هند هم در بر گرفته است.

از دیگر ویژگی‌های نسبتاً ثابت فرهنگ ایرانی، باورها، اعتقادات، سبک زندگی و نحوه پوشش است که در آثار مکتوب، سنگ نبشته‌ها، سنگ‌نگاره‌ها، تصاویر و نقاشی‌های باقی مانده از گذشته، قابل مشاهده است و تداوم فرهنگی را به خوبی نشان می‌دهد.

پیوستگی فرهنگی، باعث ثبات هویت ملی، تقویت خودباوری، انباشت و نگهداشت تجربیات فرهنگی و افزایش توانایی، برای بهره‌بردن از سرمایه‌های ملی و انسانی شده است. بسیاری از آداب و رسوم امروز



▲ زبان فارسی، نماد تداوم فرهنگی ایرانیان

ماه، ریشه در تاریخ چند هزار ساله ایران دارد و نیاکان ما هم، همانند آن عمل می کردند. این فرهنگ و تمدن افتخارآمیز می تواند زمینه تقویت و تدوام هویت ایرانی اسلامی نسل ما شده و «خودباوری فرهنگی» مان را افزایش دهد.

جشن نوروز

شواهدی از هزاره سوم پیش از میلاد به بعد، از برپایی دو جشن مهم ملی حکایت می کند: یکی در آغاز فصل گرما (جشن نوروز) و دیگری در آغاز فصل سرما (جشن مهرگان). این دو جشن در سراسر منطقه وسیع فلات ایران تا بین النهرین گسترده بوده و مراسم آن برگزار می شده است. ایرانیان در دوران هخامنشی به خوبی با «جشن نوروز» آشنا بوده اند. هر سال، مردمان و حاکمان ملل تابع هخامنشیان، با پوشاک قومی خود در تخت جمشید (پارسه) که کاخ و نیایشگاه هخامنشیان بوده، گرد می آمدند و «نوروز» را در حضور شاه و بزرگان کشور جشن می گرفتند. در دوران تشریف ایرانیان به دین اسلام، جشن نوروز همچنان حفظ و بزرگ داشته شد و مورد تأیید رهبران مذهبی قرار گرفت. در زمان سلطان ملک شاه سلجوقی (۴۹۵-۴۸۵ ق)، اول فروردین ماه به عنوان آغاز سال خورشیدی تثبیت شد و مراسم جشن، به مناسبت حلول سال جدید برگزار می شده است. از آیین ها و مراسم مرتبط با نوروز، می توان از «حاجی فیروز»، «خوان نوروز» (هفت سین)، «نوروزانه» (عیدی دادن) و «عید دیدنی» یاد کرد.

در قدیم، صبح عید نوروز، ظرف خوراکی کودکانی که با کنجد، گندم، شاهدانه، نخودچی و کشمش پر شده بود و با یک بشقاب نان شیرینی به همراه تخم مرغ رنگی، به کوچک ترها عیدی داده می شد.



پیشتر بدانیم



▲ آیین نوروز در دوره قاجار



▲ آیین نوروز در سال های اخیر

بررسی و گفتگو کنید

به نظر شما، تدوام فرهنگی در آداب و رسوم عید نوروز، چگونه است؟ و این آیین، چه نقشی در پیوستگی فرهنگی اقوام ایرانی دارد؟ از این مراسم، چگونه می توان برای تقویت پیوستگی با مردم سایر کشورهای حوزه تمدنی ایران، استفاده کرد؟





۱- ابیات زیر از رودکی را کامل کنید و شباهت و تفاوت زبانی و معنایی آنها را با ادبیات رایج مشخص کنید:

- بوی جوی مولیان آید همی

- زمانه، چون نگری سر به سر همه پند است

۲- آیا مراسم و آیین‌های دیگری را می‌شناسید که از گذشته‌های دور تاکنون، در فرهنگ ایرانی، ادامه داشته باشد؟

مراحل مهم تاریخ فرهنگی ایران

در درس تاریخ، با سیر تحولات تاریخی و «تاریخ سیاسی» ایران آشنا شده‌اید. «تاریخ فرهنگی» ایران نیز دارای سیر تحول و ویژگی‌های خاص خود است. با وجود یکپارچگی و پیوستگی فرهنگی ایران در طول تاریخ، چند دوران خاص در مسیر تحولات فرهنگی در این سرزمین، جایگاه برجسته و تعیین کننده دارند که شامل موارد زیر می‌باشند:

۱- دوران پیش از اسلام

ویژگی‌های فرهنگی ایران باستان، کدام است؟ همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و گروه‌ها و مذاهب، در سرزمین پهناور ایران، چگونه بوده است؟ آیا پوشیدگی زنان و مردان ایرانی، از آن زمان تاکنون استمرار یافته است؟ سرزمین کنونی ما بخش بزرگی از یک واحد جغرافیایی به نام فلات ایران است. این سرزمین، با تنوع اقلیمی و زیستی خود، دارای وحدت و پیوستگی فرهنگی بوده است. مردمان ساکن در این منطقه، از دوران باستان، با بهره‌مندی از نبوغ و خلاقیت خود، توانستند تمدن بزرگی را بیافرینند و خدمات فراوانی به تاریخ بشریت عرضه کنند. به گواهی بسیاری از مورخان، نویسندگان و مستشرقان منصف، فرهنگ ایرانی در این دوران از برجستگی‌های ویژه‌ای برخوردار بوده است و مردم ایران به لحاظ فرهنگی، انسانی‌هایی فرهیخته، اهل دانش، صلح دوست، اهل مدارا و تعامل، اهل هنر، راستگو و دارای صدق و صفا بوده‌اند؛ به گونه‌ای که حتی مهاجمان و مهاجران به این

سرزمین، پس از مدتی، تحت تأثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفته و از پیروان فرهنگ حاکم شده‌اند. طراحی و احداث بنای عظیم تخت جمشید، برپایی تمدن شهر سوخته در سیستان، تمدن جیرفت در کرمان و بنای اعجاب‌انگیز بم، گاهشماری و ... نشان از هوش و ذکاوت و رشد فرهنگی، دانش فنی و شایستگی‌های ایرانیان دارد.



مناسبات احترام‌آمیز با سایر اقوام و گروه‌ها، رفتار انسان‌دوستانه با ساکنان سایر کشورها در جنگ‌ها، رعایت حقوق کارگران، زبردستان و افراد ضعیف و مستمند جامعه، نشانگر ارزش‌های فرهنگی نیاکان ما ایرانیان است.

تحقیق کنید



▲ محوطه باستانی جندی شاپور

درباره «جندی شاپور» به عنوان یکی از مراکز علمی و پزشکی ایران قدیم، تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

۲- دوران اسلامی

اسلام چگونه وارد ایران شد؟ دلیل پذیرش اسلام، توسط اکثریت ایرانیان چه بود؟ کدام مناطق و نواحی کشور در پذیرش اسلام، پیشگام بوده‌اند؟ پس از بعثت پیامبر اکرم ﷺ و ابلاغ آخرین پیام الهی به جهانیان، ایرانیان نیز، مانند بسیاری از اقوام و گروه‌ها، مشتاقانه و آزادانه اسلام را پذیرفتند. معارف اسلام و جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی آن، از جمله توحیدمحوری، جهان‌شمولی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، صلح‌دوستی، رأفت و اخوت و تکریم شخصیت انسانی، با هویت ملی ایرانیان و تفکرات و باورهای فرهنگی آنان، نزدیکی و همخوانی داشت. تعالیم انسان‌دوستانه و مترقی اسلام از یک سو، و تبعیض‌طبقاتی و ظلم و بی‌عدالتی حاکم بر کشور از سوی دیگر، سبب شد تا اسلام با اشتیاق کامل، در دل و جان ایرانیان رسوخ کند. آنان به تدریج و گام به گام، به اسلام ایمان آوردند و در طول تاریخ از آن حفاظت و صیانت کردند.

استقبال از اسلام و پذیرش آیین جدید براساس روحیه حقیقت‌جویی، پیوندی عمیق و همیشگی بین عناصر فرهنگی اسلام با عناصر فرهنگی ایرانیان، برقرار کرد و باعث تداوم فرهنگی ایرانیان شد. توحیدگرایی ایرانیان و تجارب کشورداری و تمدن‌سازی ایشان، پیوند این دو فرهنگ را تقویت کرد، به گونه‌ای که در این تعامل و ارتباط دوسویه، هم آموزه‌های متعالی اسلامی، فرهنگ و تمدن ایران را غنی ساخت و ارتقا بخشید و هم مسلمانان، با بهره‌گیری از تجربیات و دستاوردهای عظیم فرهنگی و تمدنی ایران پیش از اسلام، تمدن اسلامی را شکوفا نمودند.



▲ مسجد نصیرالملک در شیراز نمادی از معماری اسلامی

گسترش اسلام در ایران، موجب تحول شگرف و عمیق در زندگی و فرهنگ مردم این سرزمین شد. ایرانیان، به سبب داشتن پیشینه و تجربه تمدنی در دوران باستان، در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش اساسی و مهمی ایفا کردند. ایران در قرون طلایی تمدن اسلامی، کانون شکوفایی و رشد تمدن اسلام بوده است و در همه رشته‌ها و حوزه‌های علمی، دانشمندان بزرگی در ایران ظهور کردند که بسیاری از آنان از جمله ابونصر فارابی، محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، ابن سینا، مولوی، حافظ، سعدی و بسیاری دیگر، شهرت جهانی دارند. ایرانیان، با پذیرش ارادی و آگاهانه آموزه‌های وحیانی اسلام، تلاش بسیاری در حفظ زبان فارسی به‌عنوان عامل هویت‌بخش ایرانی داشته‌اند و با استفاده از ظرفیت زبان عربی، برای غنی‌سازی و ارتقای آن کوشیدند و آن را به زبان دوم جهان اسلام تبدیل کردند. افزون بر این، مسلمانان برای اداره و حفظ قلمرو خود، آیین مملکت‌داری و سازمان‌های دیوانی را از ممالک متمدن، و بیش از همه از ایرانیان، آموختند و برای کسب مهارت و فنون، به انتقال میراث تمدن کهن ایران پرداختند. این رویکرد، باعث تقویت بنیان‌های تمدن نوپای اسلامی و احیای تمدن کهن ایران شد.

انتقال فرهنگ ایران از دوران ساسانی به دوران اسلامی، به یک باره روی نداد، بلکه طی مدتی طولانی و آرام‌آرام صورت گرفت. همین انتقال مرحله به مرحله، باعث شد شناخت ایرانیان از اسلام، از طریق رفتار خشونت‌آمیز و رفتار غیردینی برخی از مدعیان دین و یا در خلال تعصبات ناروای حاکمان اموی و عباسی، انجام نشود، بلکه ایرانیان، با تفکر و تحقیق و بررسی، تعالیم اسلام را از سرچشمه زلال آن، یعنی آیات قرآنی و معارف نبوی و اهل بیت (علیهم‌السلام) به دست آوردند. به همین سبب، فرهیختگان ایرانی، افق دید و باورشان از اسلام، بسیار ژرف‌تر از دایره تنگ نظری‌های خلفای اموی و عباسی بوده و از این‌رو توانستند خدمات بسیار ارزنده‌ای به جامعه اسلامی و جامعه جهانی عرضه کنند.

با پذیرش اسلام پیوستگی فرهنگی ایرانیان، نه تنها تضعیف نشد، بلکه فرهنگ ایرانی بالنده و متعالی شد. این پیوستگی فرهنگی و نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده آن، به حدی است که امروزه سخن گفتن از تمدن اسلامی بدون نام ایران، امکان‌پذیر نیست، همچنان که فرهنگ ایرانی از تعالیم اسلامی و آموزه‌های وحیانی،

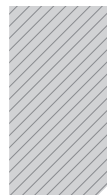
جدایی ناپذیر است. در نتیجه، باید از خدمات متقابل ایران و اسلام سخن گفت. عناصر این دو فرهنگ، چنان در هم تنیده و آمیخته شده‌اند که تفکیک آنها از هم و دو پاره کردن آنها، امکان‌پذیر نیست. ترکیب آنها با هم، یک کل واحد و منسجم را ساخته است، به طوری که امروزه ما با یک فرهنگ در هم تنیده و یکپارچه روبه‌رو هستیم.



▲ آمیختگی نمادهای تمدن اسلامی و ایرانی

بررسی و تحقیق کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفت‌وگو کنید

مرکز آموزشی «ربع رشیدی»، در چه زمانی و توسط چه کسی و در کجا ساخته شد؟ ویژگی‌های علمی و فرهنگی آن چیست؟ تأکید اسلام بر علم‌آموزی و عمومی کردن دانش، چه تأثیری بر گسترش مراکز آموزشی داشته است؟



مسجد امام اصفهان؛ نمونه‌ای از ترکیب فرهنگ اسلام و ایران با هنر و صنعت روز

سنت‌های ملی و آرمان‌ها و شعائر و مفاهیم دینی، همه در «مسجد امام اصفهان»، با عظمت و شکوهی تحسین‌برانگیز، تجلی یافته و آن را



در شمار یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای معماری جهان قرار داده است. جلوخان مسجد، حالتی دعوت‌کننده دارد و جمعیت بیرون را به پناه و امنیت و تجدید قوا در مسجد فرا می‌خواند. و ایمان و معنویت او را افزایش می‌دهد. نمای حیاط، به دالان‌ها و طاقچه‌ها و توده‌های مُفرَس‌های روشن و نوارهای بلندی از کتیبه‌های سفید درخشان آراسته است و سراسر آن را کاشی‌های معرّق الوان پوشانده که مایه‌های آبی بر بالای پوشش زیرین مرمر آن با مایه‌های طلایی آمیخته است. دو قاب که در دو طرف مدخل قرار گرفته، طرح سجاده دارد که نمازگزار بر روی آن نماز می‌خواند. جلوخان رو به شمال است؛ همچنان که ضرورت میدان بوده، ولی از آنجا که محراب می‌باید رو به قبله باشد، یعنی شمال شرقی به جنوب غرب، برای جلوگیری از قناس شدن، سلیقه و دقت بسیار به کار رفته است. شخص از جلوخان وارد دهلیزی عالی می‌شود که از ویژگی‌های فرهنگی بناهای تاریخی ایران از زمان‌های قدیم بوده و هدف از آن، دور داشتن محارم منزل، از نگاه نامحرم بوده است. این دهلیز، مدور است و از این رو هیچ وجهی ندارد و می‌توان آن را پاشنه‌ای در نظر گرفت که محور بنا به روی آن می‌چرخد. دهلیز، رو به طاق بلند ایوان شمالی باز می‌شود و از عمق تاریک آن، انسان ناگهان حیاط روشن از آفتاب را می‌بیند. اگر در بناهای دیگر، شکوه رنگ و عظمت سردر و گنبد خیره‌کننده است، در این بنا، تکرار خوش‌آهنگ عناصر ساختمانی و طاق‌نماهای متقارن و ایوان‌های متعادل و آرامش حوض بزرگ وضو و اثر یک‌دست‌کننده رنگی فراگیر، که در همه‌جا گسترده، چشم بیننده را خیره می‌کند.

نقشه‌پی و ساختمان بنا، هر دو نشان‌دهنده اعتقاد به سادگی اسلامی است و مفهومی بنیادی را نمایان و بیان می‌کند که همانا برادری و برابری مؤمنانی است که همگی از دسترسی بی‌واسطه به رحمت خداوندی برخوردار شده‌اند.



پیشتر بدانیم

تزیینات، همگی سنتی است و تکرار نقش‌های نمادی ایران باستان در زمینه نعمت و برکت. تقریباً سراسر سطح بنا، با کاشی‌های لعاب‌دار پوشیده شده که پر از نقش و نگار گل و بوته به صورت مجرد و تخیلی است. از آفتاب بزرگ زرین نوک گنبد، که زندگی بخشی‌اش از طریق توده عظیم گل و بوته‌ها منتشر می‌شود، تا طاق‌های بلند و قاب‌های آراسته به هزاران شکوفه و گل ستاره مانند تا پیچک‌های سیال شبکه‌های پنجره‌ها و در کل همه این آرایش‌ها، تأکیدی است بر علاقه ایرانی‌ها به رویش و عشق شاعرانه‌شان به گل.

این مسجد، با نقشه و ساختارش، شیوه زندگی اسلامی را آشکار و با هزاران کتیبه‌اش، آیات قرآنی را باز می‌گوید.

۳- دوران جدید

ارتباطات و تعاملات فرهنگی ایرانیان با تمدن جدید غرب، از چه زمانی و چگونه آغاز شده است؟ این ارتباطات، چه پیامدهای فرهنگی، به همراه داشته است؟ اعزام دانشجو به غرب، در چه دوره‌ای انجام شد؟ پس از رنسانس در اروپا، فرهنگ «مدرن»، با نفی فرهنگ سنتی رایج و براساس اندیشه «انسان محوری»، به وجود آمد و دوران «مدرنیته» و تمدن «مدرنیسم» شکل گرفت. در گذر زمان، این فرهنگ و مبانی فلسفی و نظری آن، به همراه دستاوردهای عینی و مادی مدرن، به سایر کشورها از جمله ایران، منتقل شد و مبادلات فرهنگی غرب با دیگران، براساس اندیشه و فرهنگ جدید، آغاز شد.

پیشینه تعامل ایرانیان با «غرب جدید»، به دوره صفویه، در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی می‌رسد، اما اوج مبادلات فرهنگی، در دوره قاجار و پهلوی بوده است که در خلال آن، حکومت و برخی از روشنفکران، با خودباختگی کامل، و برتر دانستن فرهنگ غرب، سعی در پذیرش و الگوپذیری بی‌چون و چراز آنان را داشته‌اند و با وارد کردن صنایع و کالاهای غربی، در تلاش بوده‌اند تا فرهنگ و مبانی نظری و فکری غرب را نیز به کشور وارد کرده و حاکم نمایند. ضعف و انحطاط حکومت‌های سیاسی در این دوره، ضعف فکری و فرهنگی را به همراه داشت و با تضعیف «خودباوری ملی»، فرهنگ «غرب‌گرایی» در کشور ترویج می‌شد. تمدن جدید غرب، برای گسترش حوزه فرهنگی و تأمین منابع اقتصادی خویش، با هجوم به سایر فرهنگ‌ها، سعی در تضعیف و تخریب فرهنگ «دیگران» و در نتیجه حاکمیت بلامنازع فرهنگ «خود» داشته است. ایرانیان نیز مانند سایر کشورهای اسلامی، در معرض هجوم‌های فرهنگی غرب قرار گرفتند و نشانه‌ها و نمودهایی از «خودبیگانگی فرهنگی» در کشور، آشکار شد. این خودباختگی در برابر فرهنگ مهاجم، گسست فرهنگی و از بین رفتن سرمایه‌ها و میراث ارزشمند فرهنگی را به همراه داشت. اما متفکران و اندیشمندی مانند جلال آل‌احمد، شهید مرتضی مطهری، دکتر علی شریعتی، و امام خمینی علیه‌السلام بر این خودباختگی شوریدند و موجبات بیداری و هوشیاری جامعه را فراهم آوردند. در این رویارویی فرهنگی، ایرانیان توانستند برخلاف بسیاری دیگر از ملت‌ها و فرهنگ‌ها، جوهره و اصالت فرهنگی خویش را حفظ کنند و واکنش سازنده‌ای با



▲ کلیسای سن پیترو در ایتالیا

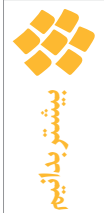
فرهنگ غرب داشته باشند. آنان با تکیه بر پیشینه تمدنی و فرهنگی خود، سعی کردند هوشمندانه و آگاهانه با تمدن جدید روبه‌رو شوند، به نحوی که مقهور و مرعوب آنان نشده، و برخی از عناصر فرهنگ غرب را که با فرهنگ بومی همخوانی و همسویی داشته است به تدریج پذیرفتند و برخی دیگر را آگاهانه رد کردند. در نتیجه تداوم و پیوستگی فرهنگی خود را حفظ کردند.

بررسی و تحقیق کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفت‌وگو کنید

«از خود بیگانگی فرهنگی» به چه معناست؟ آثار و نشانه‌های آن کدام است؟ برای جلوگیری از آن، و تقویت «خودباوری فرهنگی» چه باید کرد؟

تحریر تاریخ:

برخی از نویسندگان ایرانی، مانند جلال‌الدین میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۸۹-۱۲۳۴ ق)، میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۹۵-۱۲۲۸ ق)، میرزا ملکم خان (۱۳۲۶-۱۲۴۹ ق)، آقاخان کرمانی (۱۳۱۴-۱۲۷۰ ق)، که مروج آرای نویسندگان قرن هجدهم فرانسه، از جمله منتسکیو، ولتر و روسو در ایران بودند، سخنان بی‌اساس و کینه‌توزانه‌ای در مورد ورود اسلام به ایران بیان کرده‌اند که فاقد ژرفاندیشی علمی و سند تاریخی است. این گروه با ترویج غربگرایی و گسترش ارزش‌های غربی، بزرگداشت افراطی اساطیر ایران باستان، تلاش برای تغییر خط ایران به خط پهلوی، برتری دادن ملیت ایرانی بر سایر ملل، بیزاری از فتح ایران به دست سپاه اسلام و حمله مغولان به ایران، در صدد بودند تصویری منفی و سیاه، از اسلام ارائه کنند و دین آسمانی و وحیانی اسلام را، دین اعراب جاهلی معرفی نمایند. این رویکرد نادرست در دوران پهلوی، مورد حمایت قرار گرفت و به تعارض میان پیشینه هویتی ایرانیان منجر شد. در این دوره، وابستگان به رژیم شاهنشاهی و دلدادگان فرهنگ غرب، با برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله کوشیدند تا میان مؤلفه‌های فرهنگی ایران و اسلام اختلاف و فاصله ایجاد کنند.



۴- دوران انقلاب اسلامی

عناصر اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی کدام است؟ اعتقادات و باورهای فرهنگی مردم، چه نقشی در پیدایش و پیروزی انقلاب داشته است؟ ارزش‌های انقلاب اسلامی چگونه می‌تواند پیوستگی فرهنگی و پویایی آن را تداوم بخشد؟

انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از انقلاب‌های برجسته قرن بیستم، یک انقلاب فرهنگی است که ریشه در اعتقادات، باورها و ارزش‌های مردم ایران دارد



و از تعالیم آسمانی اسلام، سرچشمه گرفته است. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام و حضور گسترده و ایثارگرانه مردم، سرآغاز دوران جدیدی برای تقویت «خودباوری»، و بازگشت به ارزش‌ها و باورهای فرهنگ توحیدی و در نهایت «استمرار فرهنگی» به حساب می‌آید. از آنجا که در دوره پهلوی، اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی مردم، مورد هجوم حکومت و غرب‌گرایان قرار می‌گرفت، در دوره انقلاب اسلامی، با بازگشت به خویش، تلاش می‌شود تا معارف و ارزش‌های اسلامی در جامعه حاکم و هویت اسلامی و ایرانی مردم تقویت شود.

دشمنان انقلاب و مردم، با درک اهداف و پیام‌های خداپاورانه آن، از آغازین روزهای پیروزی، درصدد مخالفت با آن برآمدند و از تمام امکانات و ظرفیت‌های خود، برای شکست و نابودی انقلاب استفاده کرده‌اند. اوج این تهاجم‌ها، در جنگ تحمیلی هشت ساله قابل مشاهده و مطالعه است که رژیم متجاوز صدام، به نمایندگی از امپریالیسم جهانی و با مشارکت و حمایت بسیاری از کشورها، با ارتشی مجهز و تجهیزات نظامی فراوان، به



ایران حمله کرد. حمله صدام و حامیانش، صرفاً حمله به خاک ایران نبود، بلکه علاوه بر آن، به باورها، ارزش‌ها و فرهنگ دینی و انقلابی مردم ایران حمله کردند. حضور آگاهانه و داوطلبانه مردم از تمام اقوام و گروه‌ها در جبهه‌های نبرد و هوشیاری و حسن تدبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مجاهدت‌ها و از جان گذشتگی به یادماندنی رزمندگان، ایثارگران و شهدای گران قدر و برخوردارانی آنان از روحیه خداپاوری و دین‌مداری، سلحشوری، ظلم‌ستیزی، وطن‌دوستی، فتوت و غیرتمندی، باعث پیروزی لشکریان اسلام و حفظ هویت و پیوستگی فرهنگی شد. در این جنگ نابرابر، نه تنها یک وجب از خاک ایران عزیز در اشغال آنان باقی نماند، بلکه ارزش‌های فرهنگی، تداوم یافت و «پیوستگی فرهنگی» تقویت شد.

صیانت از میراث فرهنگی

همان گونه که خواندیم، فرهنگ امروز ما، از گذشته‌های بسیار دور، نسل به نسل، منتقل شده و به عنوان «میراث فرهنگی» به ما رسیده است. در این مسیر طولانی و پرفراز و نشیب، نیاکان و اجداد ما، تلاش‌ها، مجاهدت‌ها و جان‌فشانی‌های فراوانی کرده‌اند تا بتوانند از هویت ملی و فرهنگ اسلامی-ایرانی خویش پاسداری کنند.

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

بی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند

«فردوسی»

گاهی مفهوم «میراث فرهنگی» تنها به بناها و آثار مشهود باقی مانده از گذشته گفته می‌شود. در صورتی که با توجه به تعاریف فرهنگ که قبلاً آموخته‌اید، «میراث فرهنگی» شامل تمام آثار باقی مانده از گذشتگان است که دارای ارزش فرهنگی هستند. این آثار می‌تواند در برگیرنده آثار محسوس و ملموس (مانند بناهای باستانی، ظروف، مجسمه‌ها و...) یا آثار نامحسوس و ناملموس (مانند آداب و رسوم، اعتقادات، سبک زندگی و...) باشد که امروزه در زندگی ما جریان دارد. آنچه امروز، از آثار فرهنگ محسوس می‌بینیم، مانند قطعه یخی در اقیانوس است که تنها بخشی از آن از آب، سر برآورده است، در حالی که ریشه‌های ناپیدای فراوان دارد. میراث فرهنگی، هویت و شخصیت جمعی یک ملت است؛ بنابراین، همگان در پاسداری و نگهداشت آن مسئولیت دارند. امروزه که فرهنگ خدا محور اسلام و فرهنگ انسان محور غرب، رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند، و نظام سلطه با بهره‌گیری از تمام امکانات و ظرفیت خویش، در صدد گسترش و حاکمیت فرهنگ غرب در جهان بوده و با هجوم فرهنگی به جوامع دیگر، به تضعیف و نابودی سایر فرهنگ‌ها می‌اندیشد، لازم است با هوشیاری، از فرهنگ خودی (اعم از فرهنگ محسوس و غیرمحسوس) صیانت کنیم، و امانت‌دار میراث گران‌بهای فرهنگ مان باشیم و آن را به آیندگان تحویل دهیم. تداوم «استمرار فرهنگی» و انتقال آن به آیندگان، نیازمند «خودباوری فرهنگی» و مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرد فرد ماست. حفظ سرزمین ما، در گروی حفظ فرهنگ است، و حفظ فرهنگ غنی ملی ما، نیازمند آگاهی و هوشمندی و خودباوری جوانان این مرز و بوم است.



تعزیه خوانی

از زمان تشریف ایرانیان به دین اسلام، مردم ایران به ائمه معصومین علیهم السلام، عشق و ارادت خالصانه می‌ورزیدند. پس از شهادت جانشوز حضرت امام حسین علیه السلام و یاران



ایشان در صحرای کربلا، رفته‌رفته رسم تعزیت‌داری و سوگواری و گریستن بر شهادت شهیدان دین در ایران رایج شد تا اینکه در قرن‌های اول و دوم هجری، وجهی اجتماعی و نمود گسترده در سطح جامعه یافت؛ به طوری که در دوران حکومت آل بویه بر بغداد، این خاندان که شیعه و دوستدار اهل بیت علیهم السلام بودند، مردم را به عزاداری در نخستین دهه محرم، فرا می‌خواندند و آیین‌هایی را که تا آن زمان، برای برگزاری باشکوه این مراسم رایج شده بود، پاس می‌داشتند. به موازات برگزاری این مراسم، گونه‌ای از تاریخ‌نگاری حادثه عاشورا رشد کرد که امروزه «مقتل‌نگاری» خوانده می‌شود. نویسنده مقتل، برای تهییج خواننده یا شنونده رویداد مورد نظر جنبه‌های تصویری ماجرا را بسیار پررنگ و پرشور و حرارت روایت می‌کرد.

در کنار دو سنت عزاداری دسته‌جمعی و روضه‌خوانی، شیوه دیگری نیز برای هرچه بهتر نمایش دادن آنچه بر ائمه و پیشوایان گذشته بود، به کار گرفته شد که به آن، «شبییه‌خوانی» می‌گویند. شبیه‌خوانی در دوره صفویه در ایران رواج یافت و در دوره قاجاریه، به اوج کامل خود رسید و به نوعی، به تأثیر بومی و ملی ایران تبدیل شد؛ با این تفاوت که در شبیه‌خوانی، رویدادها چنان واقعی به نظر می‌رسید که گاه، «اشقیاء خوانان»، یعنی کسانی که نقش منفی را برعهده داشتند، در حین نمایش، بر مصائب حضرت امام حسین علیه السلام و یاران ایشان می‌گریستند. با ظهور سلسله پهلوی و فرمان رضاشاه مبنی بر غدن کردن برگزاری مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی در سال ۱۳۱۱ش، و همچنین، گسترش جنگ جهانی دوم که مردم ایران را درگیر خود کرد، با وجود کوشش‌هایی که از سوی بازمانده تعزیه‌خوانان انجام گرفت، دیگر تعزیه و شبیه‌خوانی جایگاه پیشین خود را به دست نیاورد. در سال‌های اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علاقه‌مندان به سنت‌ها و رسوم ریشه‌دار ایرانی، می‌کوشند متون، شیوه‌های قرائت و ایفای نقش و حتی محل‌ها و جایگاه‌های برگزاری تعزیه را احیا کنند.

یادآوری: جشن نوروز و سنت تعزیه‌خوانی، به عنوان میراث فرهنگی و جهان‌شمول، در سازمان فرهنگی یونسکو به ثبت رسیده است.



◆ اقوام ایرانی، با هم و در کنار هم

در مدرسه شما، دوستان دانش آموزتان، متعلق به چه گروه‌های قومی هستند و با چه زبان‌هایی سخن می‌گویند؟ این تنوع و تکثر فرهنگی، چه فرصت‌هایی دارد و با چه تهدیدهایی روبه‌روست؟ همان‌گونه که در درس‌های قبل آموختید سرزمین ما ایران، کشوری وسیع و کهن و با تاریخ بیش از هفت هزار ساله است که اقوام مختلف با اعتقادات، آیین‌ها و عادات‌های گوناگون در آن زندگی می‌کنند. «ملت ایران» واقعیتی است مرکب از همه این تنوع‌ها و تکثرها که تاریخ مشترک، منافع مشترک، رنج‌ها و شادی‌های مشترک و اعتقادات و آرمان‌های مشترک، آنان را به هم پیوند زده و موزائیک فرهنگی اقوام را در ایران تشکیل داده است.

ایران ما، به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی، شرایط آب و هوایی و زیستی، در طول تاریخ، همواره محل عبور و زندگی اقوام و ایلات مختلف با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت و متنوع بوده است. به همین دلیل، ایران را خاستگاه تنوع و چندگانگی فرهنگی دانسته‌اند و به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب از آن یاد می‌کنند. بدین جهت کشور ما در زمره کشورهای «چند فرهنگی» قلمداد می‌شود.

اگر به آشنایان و خانواده‌های اطراف خود توجه کنیم و یا اگر وضعیت فرهنگی دوستان و هم‌کلاسی‌های خود را بررسی کنیم، می‌بینیم که در بین آنها افرادی از اقوام مختلف و شهرهای گوناگون وجود دارند که با وجود تفاوت‌ها، شباهت‌ها و اشتراکات فراوانی با یکدیگر دارند؛ همچنین ما اگر به سایر نقاط و استان‌های کشور سفر کنیم، مشاهده می‌کنیم با هم‌وطنان ساکن در این مناطق و نواحی، وجه مشترک فراوانی داریم و در بین آنها احساس غربت و تنهایی نمی‌کنیم. زبان رسمی کشور ما، فارسی است و همگان با آن صحبت می‌کنند، هر چند زبان و گویش قومی و محلی نیز وجود دارد. دین اکثریت ملت ما، اسلام است، در حالی که مذاهب مختلف دیگری نیز وجود دارد و آنها را به رسمیت شناخته‌ایم، و حتی در ارتباط با پیروان سایر ادیان، احساس قربت و نزدیکی می‌کنیم. هم‌وطنان ما در استان‌های دیگر، از نظر لباس و پوشش، شباهت‌های زیادی با ما دارند، هر چند امکان دارد مدل و رنگ لباس آنها با ما متفاوت باشد. در برگزاری مراسم دینی و ملی مانند بزرگداشت ماه محرم، به ویژه عزاداری روزهای تاسوعا و عاشورا، و یا برپایی جشن عید نوروز، بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی، بزرگداشت مفاخر و مشاهیر، وجوه مشترک فراوان داریم. علاوه بر آن، همه ما ایرانیان عشق و علاقه عمیقی به کشورمان داریم و با الهام از حدیث آموزنده «حب الوطن من الایمان»، دوست داشتن ایران را عزیز و مهم می‌دانیم. تمام ما مردم ایران، به حفظ مرزهای ملی، تمامیت ارضی، استقلال کشور و سربلندی آن اهتمام و جدیت فراوان داریم. به بیان دیگر، ما ایرانیان، علی‌رغم تفاوت‌ها، دارای باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای مشترک فراوان، و نیز تاریخ و سرنوشت مشترک هستیم و احساس عاطفی قوی برای به هم پیوستگی و «انسجام فرهنگی» بین ما وجود دارد. ما احساس تعلق، دلبستگی و همبستگی شدید با هم داریم و به «وحدت ملی» و «انسجام اجتماعی» وفاداریم و صیانت از تمامیت ارضی را وظیفه خود می‌دانیم. این «هویت ملی» و وحدت و انسجام، راز بقا و پایداری ایران و نجات کشور در برابر هجوم و اشغال بیگانگان است. حضور مفاخر و قهرمانانی مانند یعقوب لیث، کریم‌خان، شاه‌عباس، ستارخان، باقرخان، رئیس‌علی دلواری، امیر کبیر، شهید محمد جهان‌آرا، شهید حسین خرازی، شهید مصطفی چمران و... از اقوام و گروه‌های مختلف و همراهی عموم مردم با آنان برای دفاع از ایران و فرهنگ ایرانی، در لحظات سخت تاریخ، نشان از پیوستگی فرهنگی بین ما ایرانیان دارد.



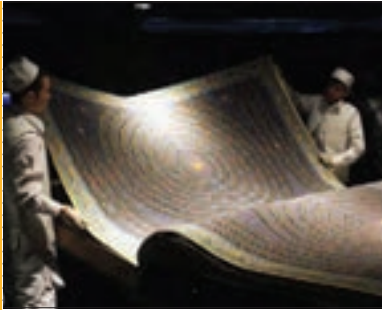


آزادسازی «خرمشهر»، به عنوان یک نقطه درخشان در پیروزی‌های دوران دفاع مقدس، چگونه انجام شد؟ چه گروه‌ها و اقوامی در آزادسازی خرمشهر مشارکت داشتند؟ آیا در این رخداد بزرگ، تنها اهالی خرمشهر و یک گروه و قوم خاص، ابراز خوشحالی کردند، و یا اینکه تمام ملت و همه گروه‌ها و اقوام ایرانی، یکپارچه و هماهنگ به جشن و خوشحالی پرداختند؟

عوامل انسجام بخش فرهنگی ماکدام اند؟

چه عواملی انسجام فرهنگی بین اقوام و گروه‌ها را تقویت می‌کنند؟ موانع گسترش وحدت و همدلی در بین اقوام مختلف ایران کدام اند؟

عناصر و عواملی که باعث تقویت انسجام فرهنگی و احساس یگانگی ملی می‌شوند و تمام اقوام و گروه‌ها، با وحدت و همبسته با هم، به آنها اعتقاد داشته و به آنها اهتمام می‌ورزند، عبارت‌اند از:



▲ نسخه نفیس قرآن کریم



▲ مقبره ابوعلی سینا در همدان

- ۱- زبان مشترک، زبان و ادبیات فارسی
- ۲- دین اسلام و ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی مشترک
- ۳- تاریخ و سرنوشت مشترک (حافظه جمعی)
- ۴- سرزمین مشترک و احساس تعلق و وابستگی به مرزهای مشخص جغرافیایی
- ۵- هنرهای ایرانی (معماری، نقاشی، خط، موسیقی، صنایع دستی و...)
- ۶- نوع پوشش و الگوی حجاب و عفاف
- ۷- مشاهیر، دانشمندان، مفاخر فرهنگی و دینی مشترک
- ۸- احساس وابستگی به نظام سیاسی واحد
- ۹- اسطوره‌ها و قهرمانان ملی مشترک
- ۱۰- ارزش و نمادهای ملی، آداب و رسوم مشترک
- ۱۱- دشمن مشترک و تهدیدات خارجی
- ۱۲- احساس تعلق به هویت ایرانی

این عناصر و وجوه مشترک، باعث شکل‌گیری انسجام ملی و فرهنگی در میان مردم ایران شده است و «پیوستگی فرهنگی» را استمرار بخشیده است. براین اساس، جامعه ایران، جامعه‌ای منسجم، یکپارچه و یکدل است و با تأکید بر این انسجام، توانسته است پیوستگی فرهنگی خود را در طول تاریخ حفظ کند. نمود انسجام و یکپارچگی جامعه ایران را در برخی از حوادث تاریخ معاصر مانند: انقلاب مشروطه، ملی

کردن صنعت نفت، قیام ۱۵ خرداد، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، شرکت در انتخابات، حمایت از هم‌وطنان آسیب‌دیده در حوادث طبیعی، مشارکت در امور خیرخواهانه و پشتیبانی از گروه‌های آسیب‌پذیر، به خوبی می‌توان مشاهده کرد. در واقع مردم ایران، علی‌رغم مشکلات و فشارهای اقتصادی، سیاسی و حتی جنگ خارجی، به شدت به همدیگر وابسته و پیوسته هستند و این همبستگی را در طول تاریخ، به‌ویژه در شرایط سخت و دشوار، حفظ کرده و ادامه داده‌اند.

بررسی و گفتگو کنید



- ۱- از میدان‌ها، خیابان‌ها، ساختمان‌ها، مغازه‌ها، مدارس، مراکز علمی، پژوهشی و آموزشی که در محل سکونت شما، به نام شخصیت‌ها و مشاهیر ملی یا استانی، نام‌گذاری شده‌اند، گزارش تصویری و مکتوب تهیه کرده و درباره آنها در کلاس، گفتگو کنید.
- ۲- «منافع ملی» به چه معناست و شامل چه مصادیق و مواردی می‌شود؟ موانع گسترش و تقویت «منافع ملی» کدام است و برای حفظ آن، چه باید کرد؟

تنوع و گوناگونی فرهنگ در ایران

به کدام‌یک از استان‌های ایران سفر کرده‌اید؟ مردم آنجا دارای چه ویژگی‌های فرهنگی هستند؟ درباره کدام‌یک از اقوام ایرانی و آداب و رسوم آنها مطالعه دارید؟ «چند فرهنگی» بودن جامعه ایرانی به چه معناست؟ در همه جوامع، گروه‌هایی با ویژگی‌های فرهنگی مختص به خود دارند که آنها را از فرهنگ اصلی و مسلط جامعه مجزا و متمایز می‌کند. این گروه‌ها، گرچه دارای ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ محسوس ویژه خود هستند، اما میانی و وجوه مشترک فراوانی با فرهنگ کلی و حاکم بر جامعه دارند. این گروه‌های درون جامعه ملی را «خرده فرهنگ» می‌نامند.



جامعه ایران، علاوه بر دارا بودن «خرده فرهنگ‌های» متعدد و مختلف، به دلیل حضور اقوام، مذاهب و اقلیت‌ها، جامعه «چند فرهنگی» و دارای «تنوع و تکثر فرهنگی» است. هریک از این اقوام بایشینه تاریخی خود، باورها و آداب و رسوم خاص خود را دارند، روش زندگی آنان باهم متفاوت است و از «هویت فرهنگی» گوناگون برخوردارند.

تنوع فرهنگی در جامعه ایران، عبارت است از:

- ۱- تفاوت‌های زبانی و لهجه‌ای: بخش فراوانی از جمعیت ایران ما، به زبان‌های قومی، محلی و یا لهجه‌های خاص فارسی صحبت می‌کنند. ما ایرانیان دارای ذخایر و گنجینه‌های زبانی و گویشی پرازش هستیم.

۲- تفاوت در اعتقادات دینی و مذهبی: در جامعه ما، علاوه بر مسلمانان، پیروان سایر ادیان و مذاهب و فرقه‌ها حضور دارند که قرن‌ها در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته‌اند.

۳- تفاوت در سبک زندگی: به دلیل گستردگی و وسعت جغرافیای ایران و تفاوت شرایط آب و هوایی، مردم سبک‌های زندگی متفاوتی را انتخاب کرده‌اند. این تفاوت‌ها در برخی از فعالیت‌های فرهنگی، مانند برگزاری جشن‌ها، مراسم عبادی، معماری و شهرسازی، صنایع دستی و هنرها، به خوبی مشهود است.

بررسی کنید



آیا تاکنون در مرحله کشوری جشنواره‌های فرهنگی و هنری و یا مسابقات ورزشی دانش‌آموزی شرکت کرده‌اید؟ یکی از برنامه‌های این مراسم، خیرمقدم گفتن نمایندگان

استان‌ها، به زبان و گویش محلی و با لباس و پوشش سنتی است که مورد استقبال و تشویق شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد. آیا می‌توانید جمله زیر را با کمک سایر دانش‌آموزان به زبان‌ها و گویش‌های مختلف، در کلاس اجرا کنید؟

«دوستان عزیز سلام، از دیدن شما و آشنایی با شما خوشحال هستیم. موفقیت شما را تبریک می‌گویم. ما «همه با هم» باید کشورمان را بسازیم و آن را توسعه دهیم.»

آیا تفاوت لغات و واژگان در این زبان‌ها و گویش‌ها، تفاوت معنا و مفهوم را به همراه دارد؟ آیا این تفاوت‌ها می‌تواند باعث برتری یک زبان یا یک فرد بر دیگری باشد؟

دلایل تفاوت‌های فرهنگی

چرا مردمان سرزمین ما ایران، دارای آداب، رسوم و هنجارهای متفاوت هستند؟ علل تنوع فرهنگی کشور ما چیست؟ آیا تنوع و تکثر فرهنگی در سایر کشورها هم وجود دارد؟ این تنوع چه فرصت‌ها و تهدیدهایی را به وجود می‌آورد؟

اقوام و گروه‌های مختلف ایرانی، ضمن وفاداری به فرهنگ ملی، با فرهنگ‌های متفاوت، در کنار هم و با هم، در سرزمین مان زندگی می‌کنند.

دلایل تنوع و تکثر فرهنگی موجود در جامعه ایران، عبارت‌اند از:

۱- تحولات تاریخی: گروه‌ها و اقوام مختلف، در طول هزاران سال به سرزمین ایران وارد شده و در این سرزمین سکنی گزیده‌اند. این اقوام پایه‌های جامعه ایرانی را شکل داده و جزئی از فرهنگ ایرانی شده‌اند. هر قوم، فرهنگ خاص خود را داشته است که در طول زمان، اصالت‌ها و ویژگی‌های بنیادین خود را حفظ و از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده است.

۲- تفاوت‌های جغرافیایی: سرزمین پهناور و گسترده ایران ما، دارای اقلیم‌های متنوع است. شرایط متفاوت آب و هوایی، زندگی در مناطق کوهستانی، جلگه‌ای، جنگلی، مناطق خشک، معتدل، سرد، سواحل دریا، حاشیه کویر، باعث تفاوت در سبک زندگی و تنوع فرهنگی شده است و مردمان ساکن در این مناطق و نواحی، برای انطباق با شرایط محیطی، نوع خاص از لباس، غذا، ساخت خانه و معماری، مشاغل، مراسم و آیین‌ها و... را برای خود برگزیده‌اند.

۳- تفاوت‌های اقتصادی و معیشتی: شکل‌های مختلف زندگی شهری، روستایی، عشایری و نیز اشتغال در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات، تفاوت در شرایط اقتصادی را به وجود آورده است. براساس تفاوت سطح درآمدها و شرایط مادی، به‌طور طبیعی، طبقات اقتصادی و اجتماعی متفاوت شکل گرفت و نمادها، الگوها و ارزش‌های گوناگون و سبک‌های زندگی و فرهنگ‌های متنوع، پدیدار شده است.

بررسی کنید



مشاغل و حرفه‌هایی مانند شالی کاری در گیلان، ماهیگیری و بندرداری اهالی خلیج فارس، زعفران کاری در خراسان، کشت پنبه در مازندران، دامپروری در مناطق عشایری و نظایر آنها چه ویژگی‌های فرهنگی را در منطقه خود به‌وجود آورده است؟ چه نمادها و رفتارهایی را به‌همراه داشته است؟



به چند گروه دانش‌آموزی تقسیم شوید و درباره یکی از موضوعات زیر تحقیق کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید: ویژگی‌ها و شاخص‌های فرهنگی هر یک از اقوام یا گروه‌های ایرانی، مانند: ترکمن‌ها، آذری‌ها و ترک زبان‌ها، بلوچ‌ها، کردها، تات‌ها، تالش‌ها،

لرها، فارس‌ها، عرب‌ها، قشقایی‌ها، شاهسون‌ها، و... کدام است؟ هر یک دارای چه آداب و رسومی هستند؟ فصل مشترک فرهنگی آنها که هویت ملی ما ایرانیان را می‌سازد کدام‌اند؟

♦ ضرورت تقویت انسجام فرهنگی

جامعه ما ایران، جامعه‌ای است چندفرهنگی که در عین تکثر و تنوع فراوان، دارای وحدت و انسجام ملی و فرهنگی است و برخلاف برخی از جوامع چند فرهنگی امروز، که تاریخ تنوع فرهنگی آنها از یک قرن فراتر نمی‌رود، تنوع فرهنگی در ایران، سابقه‌ای به قدمت تاریخ آن دارد.

قرار گرفتن کشور ما در منطقه استراتژیک خاورمیانه، وجود منابع عظیم انرژی در آن، مرزهای آبی وسیع در خلیج فارس و دریای عمان و دسترسی آسان به آب‌های بین‌المللی، معادن و ذخایر گران‌بهای طبیعی، وجود سرمایه انسانی خلاق و با استعداد و به‌ویژه پیروزی انقلاب اسلامی با آرمان‌های بلند ملی و جهانی و قدرت الهام‌بخشی آن، همه و همه از ایران، کشوری با جایگاه ویژه و مقتدر ساخته است. این موقعیت، گاه مورد خشم نظام سلطه جهانی و دشمنان و بدخواهان ملت ایران قرار گرفته و سعی کرده‌اند با ایجاد اختلافات قومی، دینی، مذهبی، دامن زدن به نارضایتی‌های عمومی، ایجاد رقابت‌های کاذب و گسترش بدبینی همگانی، زمینه تضعیف انسجام ملی و تخریب جایگاه ایران را فراهم آورند.

دستیابی به رشد و توسعه و بالندگی ملی، تأمین رفاه و آسایش عمومی برای مردم، حضور فعال در صحنه ملی و بین‌المللی و دفاع از منافع ملی، نیازمند وحدت ملی و انسجام فرهنگی است. هم‌گرایی و انسجام، زمینه‌ساز تقویت «هویت ملی» است تا در پرتو آن، مردم ایران همچون گذشته، با تأکید بر منافع مشترک، تاریخ مشترک، سرنوشت مشترک، به مثابه «ید واحد»، به ارزش‌های اسلامی - ایرانی وفادار بمانند.



▲ دفاع مقدس، نماد انسجام فرهنگی ما ایرانیان

هندوستان، بزرگ‌ترین کشور فدرال دنیاست که با تنوع نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی، چشم‌انداز شگرفی از مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز را میان اقوام و باورهای گوناگون محقق کرده است. اکنون بیش از ۸۰ درصد هندو مذهب، در کنار بیش از میلیون‌ها مسلمان (حدود ۱۳/۵ درصد) و اقوام دیگر با ۱۸ زبان و ۱۶۵۲ گویش گوناگون، در سراسر هند وجود دارند.

ویژگی‌های فرهنگی مردم این کشور بزرگ، مانند: تواضع و فروتنی، خودباوری و باور عملی به توان بومی، تلاش برای گسترش شادی و نشاط و آرامش عمومی، به‌پا دادن به نقاط مشترک و حفظ وحدت ملی، سبب شده است تا حاکمان بتوانند از تنش‌های قومی، مذهبی و زبانی موجود بکاهد و این کشور وسیع را، با تنوع بسیار حفظ کنند و در زمره چند کشور پیشرفته و توسعه‌یافته جهان قرار دهند. آنان با سیاست‌گذاری صحیح، موفق شدند «واگرایی فرهنگی» را به «هم‌گرایی فرهنگی» تبدیل کنند.



بیشتر بدانید

تنوع فرهنگی، فرصت یا تهدید؟

هویت ملی ما ایرانیان، ترکیبی از مجموع هویت‌های دینی، ملی و قومی است که به عنوان یک هویت واحد و منسجم و یک «فرصت»، فراروی جامعه قرار دارد و بقای فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی را در برابر جریان جهانی‌سازی تضمین می‌کند. این تنوع فرهنگی، ظرفیت‌های بالای انسانی و سرمایه‌ها و ثروت‌های فراوان فکری و معنوی را برای کشور به وجود آورده است که در صورت هوشیاری و مدیریت صحیح، می‌تواند زمینه رشد و تعالی کشور را فراهم آورد.



▲ اقوام، زنان و پیروان مذاهب مختلف در صحنه دفاع مقدس

«یکسان‌سازی» فرهنگی و نادیده گرفتن تفاوت‌ها، باعث نارضایتی فرهنگ‌های محلی و قومی می‌شود و انسجام ملی را آسیب‌پذیر می‌سازد. نگاه فرصتی به تنوع فرهنگی در کشور، و تأکید بر وجوه مشترک ملی، در عین توجه به تفاوت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی (الگوی وحدت در کثرت)، راهبردی است که در قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات و سیاست‌های کلی مورد توجه بوده است. این رویکرد، باعث تقویت انسجام فرهنگی و استمرار پیوستگی فرهنگی است.

بی‌توجهی به اقتضائات حفظ وحدت و انسجام ملی و تأکید بر تفاوت‌ها و تنوع‌ها، می‌تواند تنوع فرهنگی را به تهدید تبدیل کند، چنان‌که برخی از دولت‌های ملی در سایر کشورهای چند فرهنگی، در دو قرن گذشته، هر چند به شکلی محدود، با چالش‌های قومی، مذهبی، منطقه‌ای روبه‌رو بوده‌اند و سرمایه‌ها و امکانات مادی و معنوی آنها، در اثر جنگ‌ها و اختلافات درونی، از بین رفته است.

بررسی و گفتگو کنید



به نظر شما، چگونه وحدت ملی و انسجام فرهنگی را حفظ و تقویت کرده و با عوامل تفرقه‌انگیز داخلی و خارجی مبارزه کنیم؟



برای تقویت انسجام فرهنگی، چه باید بکنیم؟

هرچند تفاوت و تمایز بین انسان‌ها و اقوام، جزء جدایی‌ناپذیر حیات فردی و اجتماعی نوع انسان است، اما برای کاهش نسبی تفاوت‌ها و تقویت نقاط مشترک برای تحقق وحدت و یکپارچگی، با استفاده از الگوی «وحدت در کثرت» باید به تقویت ارزش‌های مشترک، احساسات مشترک و دل‌بستگی به نمادهای ملی پرداخت. رعایت موارد زیر توسط هر یک از ما می‌تواند به تقویت وحدت ملی و انسجام فرهنگی کمک کند:

- ۱- التزام به قانون اساسی به عنوان میثاق ملی و تلاش برای گسترش، ترویج و عملیاتی شدن آن
- ۲- آشنایی با زبان، ادبیات و خط فارسی و صیانت از آنها، به‌ویژه در فضای مجازی
- ۳- شناخت دقیق و عمیق معارف اسلامی به‌عنوان محور وحدت‌آفرین با تأکید بر نقش قرآن کریم و جایگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در جهان اسلام و پرهیز از فرقه‌گرایی مذهبی
- ۴- پاسداری مشاهیر و مفاخر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ادبی، علمی، مذهبی و ملی
- ۵- تکریم شخصیت‌ها و مفاخر قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها
- ۶- احترام و بزرگداشت پرچم و سرود جمهوری اسلامی ایران و افتخار به سایر نمادهای وحدت‌آفرین ملی (مانند کوه دماوند، برج میلاد)
- ۷- تقویت احساس میهن‌دوستی و هوشیاری نسبت به برنامه‌ها و طرح‌های تفرقه‌انگیز دشمنان
- ۸- احترام به آداب و رسوم اقوام و گروه‌ها و جلوگیری از تضعیف و تمسخر آنها به‌ویژه در فضای مجازی

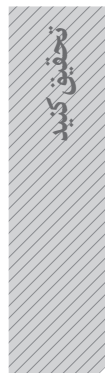


▲ کوه دماوند، نماد سربلندی و شکوه

- ۹- گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی و جلوگیری از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی
- ۱۰- بزرگداشت و تکریم مراسم و آداب و رسوم ملی مانند عید نوروز، ۲۲ بهمن
- ۱۱- تقویت و پاسداشت مراسم دینی و مذهبی به ویژه عزاداری عاشورای حسینی به همراه آداب و رسوم مذهبی اقوام و گروه‌ها و حفظ اصالت آنها و جلوگیری از رسوم خرافی و تفرقه‌انگیز
- ۱۲- انتشار ویژگی‌های مثبت هویت ملی ما ایرانیان و جلوگیری از نشر خلیقات منفی درباره ایرانیان به ویژه در فضای مجازی
- ۱۳- سفر به استان‌های مختلف کشور و گسترش ایرانگردی و آشنایی با جغرافیای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و طبیعی استان‌ها

بررسی کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید:

- ۱- به اعتقاد کارشناسان، یکی از روش‌های تقویت وحدت ملی و انسجام فرهنگی و رفع اختلاف بین افراد، گروه‌ها و اقوام، مهارت «گفت‌وگو» کردن است که در آن، احساسات، افکار و اعمال به هم نزدیک شده و همدلی و هم‌گرایی ایجاد می‌شود. به نظر شما، «مهارت‌های گفتگو» کدام‌اند؟ گفتگوهای موفق از چه اصول و ضوابطی تبعیت می‌کنند؟
- ۲- آیه شریفه «فَيُبَشِّرُ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ - سوره زمر. آیه ۱۷» حاوی چه پیام‌ها و اصولی برای تقویت انسجام و پیوستگی فرهنگی است؟





◆ هویت فرهنگی

ویژگی‌های فرهنگ ایرانی کدام‌اند؟ چه ویژگی‌هایی، فرهنگ ایرانی را از فرهنگ سایر کشورها و ملت‌ها جدا می‌سازد؟ کدام بخش از این ویژگی‌ها، در زمره خصلت‌های اخلاقی و منش‌های روحی ما ایرانیان است؟

هر فرهنگ، ویژگی‌ها و خصوصیت‌هایی دارد که آن را از دیگر فرهنگ‌ها متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها در همه حوزه‌ها و بخش‌های زندگی مردم یک جامعه حضور دارد و سبک زندگی آنان و کنش‌های فردی و اجتماعی ایشان را متأثر می‌سازد. از این ویژگی‌ها تحت عنوان «هویت فرهنگی» یاد می‌شود.



«هویت فرهنگی» یک جامعه، مجموعه‌ای از ویژگی‌های اساسی و بنیادی است که در طول تاریخ شکل گرفته و به واسطه آنها، مردم یک جامعه، «خود» را شناخته، معرفی کرده و از «دیگران» متمایز می‌کنند. «هویت فرهنگی» تمام سطوح و لایه‌های فرهنگ را در برمی‌گیرد و شامل فرهنگ محسوس و فرهنگ غیر محسوس می‌شود. ویژگی‌های فرهنگی یک جامعه، در طول زمان شکل گرفته و استمرار می‌یابند. هویت فرهنگی دارای دو بعد اصلی است:

الف) وجوه مشترک فرهنگی افراد جامعه: روح جمعی حاکم بر یک جامعه که افراد آنها را پذیرفته و در زندگی فردی و اجتماعی خویش، متجلی می‌سازند.

ب) وجوه متفاوت و متمایز فرهنگ جامعه از سایر جوامع: ویژگی‌های فرهنگی که باعث تشخص و جدایی یک جامعه از جوامع دیگر می‌شود.

«مسئله» زیر را تجزیه و تحلیل کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفتگو کنید:

چرا برخی از مستشرقان غربی و نویسندگان داخلی، اکثر ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان را «سیاه» و «منفی» معرفی می‌کنند؟ آثار و پیامدهای این «سیاه‌نمایی» چیست؟ آیا ملتی که سابقه فرهنگی چند هزار ساله دارد، می‌تواند فاقد ویژگی‌های مثبت و ارزشمند فرهنگی باشد؟

♦ ویژگی‌های فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی، همانند فرهنگ سایر ملت‌ها، در طول زمان، تغییرات و تحولاتی را تجربه کرده است و ارزش‌ها و هنجارهای آن، فرازها و فرودهایی داشته است، اما توانسته است «هویت فرهنگی» خویش را حفظ کند و با تکیه بر این هویت و ویژگی‌ها، از «تداوم و پیوستگی فرهنگی» و «انسجام فرهنگی» برخوردار باشد. همین ویژگی‌ها، «فرهنگ ایرانی» را از فرهنگ اروپایی، آفریقایی، یونانی و... متمایز ساخته و بیانگر هویت و شخصیت ملت ایران در طول تاریخ است. برخی از ویژگی‌ها و عناصر محوری فرهنگی، که نشانگر «هویت فرهنگی ما ایرانیان» است و نسل به نسل منتقل شده و امروز به دست «ما» رسیده است، عبارت‌اند از:

۱- توحید و معنویت گرایی:

فرهنگ ایرانی از دیرباز (قبل و بعد از ورود اسلام به ایران)، گرایش قوی به امور معنوی، الهی و دینی داشته است. ایرانیان از گذشته‌های بسیار دور، بر اساس فطرت و سرشت الهی خویش، به خداوند اعتقاد داشته و آن را می‌پرستیدند. آنها با وجود داشتن برخی باورهای خرافی و اساطیری (مانند پرستش الهه‌های آب، آتش، باران و...) در پاره‌ای محدود از تاریخ فرهنگی، مشرک یا کافر نبوده‌اند و نوعی وحدانیت در اندیشه و آیین‌شان وجود داشته است. در ایران همواره دین، نقش اساسی در جامعه داشته و ایرانیان زندگی و امور جاری خود را با اصول دینی و معنوی هماهنگ می‌کردند. این در حالی است که در بین سایر اقوام و بسیاری از فرهنگ‌ها، خدایان متعدد پرستش می‌شده است و یا آنکه خدایان آنها، فاقد معنویت توحیدی بوده‌اند. با پذیرش آزادانه و داوطلبانه اسلام توسط نیاکان ما، این ویژگی فطری و الهی تقویت شد و اعتقاد به خدای واحد، معاد و جهان آخرت با گسترده‌گی و عمق بیشتری ادامه یافت و در تمام زوایای فرهنگ ایران، و مجموعه باورها، آداب و رسوم ایرانیان جریان پیدا کرد.

۲- محبت و احترام به پیامبر و اهل بیت ایشان:

اکثر نیاکان ما ایرانیان، پس از پذیرش اسلام و آشنایی با اولیای این دین الهی، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی خویش و روحیاتی مانند عدالت خواهی، عقلانیت و ظلم ستیزی، به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و خاندان بزرگوار ایشان ارادت خاص داشته و خود را از دوستداران و پیروان معصومین علیهم السلام می‌دانستند. آنان به روش و سیره ائمه اطهار علیهم السلام علاقه‌مند بوده و روح فرهنگ خود را در پیوندی ناگسستنی با ایشان می‌دیدند. تمام اقوام و گروه‌های ایرانی، اعم از آذری، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب، و...، احترام ویژه‌ای برای امام علی علیه السلام قائل هستند. همچنین به امام حسین علیه السلام، (سیدالشهدا) و حادثه کربلا به عنوان یک واقعه مهم و عبرت‌آموز می‌نگرند. تمام ایرانیان از هر دین و مذهب، همه ساله در ایام محرم به سوگ می‌نشینند. گویی فرهنگ ایرانی با فرهنگ نبوی و علوی و فرهنگ عاشورا گره خورده است. مفهوم شهادت و جهاد در راه عقیده با الهام از حادثه کربلا، به یکی از عناصر اصیل فرهنگ ایرانی تبدیل شده و در طول تاریخ، باعث پایداری و ماندگاری ایران بوده است. علاوه بر آن، زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه السلام و سایر امامزادگان، یک امر رایج در میان مردم ایران و نشانگر محبت و احترام آنان به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

بررسی کنید



برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن کریم در کشور با شرکت نمایندگان کدام کشورها برگزار می‌شود و این حرکت فرهنگی، چه تأثیری در همگرایی و وحدت جهان اسلام دارد؟



۳- نوع دوستی و زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران:

نیاکان ما ایرانیان، ملتی نوع دوست بوده‌اند و زندگی مهربانانه و مسالمت‌آمیز با دیگر اقوام و جوامع را برای خود ارزش می‌دانستند. به جز چند مورد محدود، حکومت‌ها در ایران، کمتر به فکر خشونت و تعدی به همسایگان بوده‌اند و در جنگ با دیگران نیز ارزش‌های انسانی را رعایت می‌کرده‌اند.

نمونه‌های بارز این نوع دوستی را در جنگ‌های کوروش و داریوش، از پادشاهان هخامنشی، و روش برخورد با اسیران

و کشورهای مغلوب و نیز با همسایگان می‌توان مشاهده کرد. حتی زمانی که مردم ایران، تحت هجوم کشورهای دیگر قرار می‌گرفتند، با روحیه بالای جهاد، ایثار و وطن دوستی خویش، و با رعایت اصول و ارزش‌های انسانی، سعی در دفع هجوم دشمنان داشته‌اند و مهاجمان را تحت تأثیر فرهنگ قوی خود قرار می‌داده‌اند.



منشور کوروش

۴- سازگاری و وحدت‌گرایی:

جامعه و فرهنگ ایران، جامعه‌ای متنوع و متکثر است و در هر نقطه از این کشور بزرگ، گروهی با فرهنگ و آداب و رسوم مخصوص خود زندگی می‌کنند. علی‌رغم این تفاوت‌ها و تمایزها، اقوام ایرانی، در طول سالیان دراز، زندگی مسالمت‌آمیز و وحدت‌گرا با هم داشته‌اند.

هریک از اقوام ایرانی، در طول تاریخ، چند بار اداره حکومت و دولت را برعهده گرفته‌اند و برای حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی و اعتلای کشور جان‌فشانی کرده‌اند. آنان، تلاش برخی از گروه‌ها را که سعی در واگرایی و از بین بردن وحدت ملی و انسجام فرهنگی داشته‌اند، خنثی نمودند. این وحدت و هم‌گرایی در دهه‌های اخیر، با حضور رزمندگان افتخارآمیز از اقوام و مذاهب مختلف در کنار هم و در دوران دفاع مقدس، باعث سربلندی و پایداری ایران شده است.

کارگروهی

زندگی چند نفر از سرداران نام‌آور دفاع مقدس از اقوام و مذاهب مختلف را مطالعه و نقش آنان را در وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور بررسی کنید و نتیجه یافته‌های خود را در کلاس درس ارائه کنید.

۵- برخورداری از ذوق بالای ادبی و هنری:

وجه باطنی فرهنگ، در هنر و ادبیات متجلی می‌شود و ایرانیان، همانند برخی از ملت‌ها، ملتی ادب‌پرور و هنردوست هستند و فرصت بروز استعداد‌های هنری و ادبی خویش را داشته‌اند. ویژگی ذاتی هنر و ادب، بهره جستن از نیروی خلاق خیال و عقل است که در قالب محسوس ارائه می‌شود. زبان شیرین فارسی، یکی از ویژگی‌ها و عناصر هویتی فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید. این زبان طی بیش از هزار سال، دستخوش تغییراندکی شده است، به نحوی که ما هم‌اکنون پیام‌ها و محتوای اشعار شاعران قدیم، مانند رودکی، حافظ، مولوی، نظامی، سعدی و فردوسی را به سهولت و راحتی درک می‌کنیم. ادبیات و اشعار فارسی تنها وسیله ارتباط نیستند، بلکه شعر فارسی، وسیله بروز تفکرات پیچیده فلسفی و



▲ مقبره حافظ - شیراز



▲ مقبره سعدی - شیراز

عرفانی است و شاعران ایرانی در زمره حکیمان و اندیشه‌ورزان بزرگ زمان خود بوده‌اند. این زبان، وسیله اتصال و ارتباط همه خرده فرهنگ‌ها و اقوام ایرانی و عنصر وحدت آفرین و انسجام بخش ملی بوده است. هنر ایرانی، همچون هنر برخی از اقوام و ملت‌های هنردوست و هنرپرور دیگر، در رشته‌های مختلف (نظیر معماری، هنرهای دستی، موسیقی، هنرهای تجسمی و...) چون ستاره‌ای درخشان در آسمان فرهنگ بشری می‌درخشد و علاقه‌مندان بسیاری را در طول تاریخ و از سرزمین‌های مختلف، به خود جلب کرده و به تحسین واداشته است. اعجاب معماری ایرانی در طراحی و ساخت تخت جمشید، بادگیرها، مسجد امام اصفهان، بازار وکیل، مسجد ارگ تبریز، چغازنبیل، حرم امام رضا (ع) و... زیانزد عام و خاص است.

نمونه بیاورد

آیا در شهر و استان شما، موزه، ابنیه تاریخی، صنایع دستی و... وجود دارد؟ در صورت وجود داشتن، ضمن بازدید از آنها، با تهیه عکس و فیلم و گزارش، اهمیت و ارزش آن را در کلاس بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.

ایران از نظر صنایع دستی، کشوری ریشه‌دار و کهن است. کاوش‌های باستان‌شناسی، حکایت از به هم پیوستگی صنایع دستی در ایران دارد. سفالینه‌های لعاب‌دار و ساخت چرخ سفالگری، در هزاره‌های ششم تا چهارم پیش از میلاد، ثبت شده است. روح هنرمندی و پیوستگی تاریخی در این صنایع، به گونه‌ای است که هر ناظر داخلی و گردشگر خارجی را در نقوش و ظرافت خود غرق می‌کند. «گیرشمن» ساخت ارابه‌های چهار چرخ، پرورش اسب، معماری طاق‌های هلالی



گنبدی شکل را از اختراعات ایرانیان می‌داند که توسط ایلامی‌ها به سومر و از آنجا به دیگر نقاط جهان رفته و رواج یافته است. کشف فلز و ذوب آن و مراحل فلزکاری به هزاره چهارم پیش از میلاد در تپه چایونو در فلات مرکزی و تپه قبرستان در قزوین و همچنین در تل ابلیس استان کرمان و سیلک کاشان و اختراع مفرغ توسط ایرانیان در مناطقی از زاگرس می‌رسد. صنعتگران، با ذوب مس و ریختن آن در قالب‌ها، ابزارها و ادوات متعدد، مانند تبر، چکش، تیغ خنجر، سوزن، سنجاق و قلم تولید می‌کردند و آنها را جایگزین انواع مشابه سنگی یا استخوانی می‌کردند.^۱

۶- خانواده‌گرایی:



در فرهنگ ایرانی، خانواده دوستی، یک ارزش و فضیلت محسوب می‌شده است. ایرانیان، مانند برخی از اقوام دیگر، به خانواده و اصول اخلاقی حاکم در آن، توجه داشته و به مسئله تعلیم و تربیت فرزندان اهتمام داشته‌اند. در طول تاریخ، در پی تهاجم دشمنان، حکومت و دولت در ایران، بارها از بین رفته است، اما هیچ‌گاه ارزش و جایگاه خانواده در ایران تضعیف نشده است و رمز ماندگاری فرهنگ و هویت ایرانی، ماندگاری خانواده ایرانی، به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماع بوده است.

زن ایرانی، همواره مظهر عفت و پاکدامنی و شایسته نقش مادری بوده و محور و اساس خانواده ایرانی به شمار می‌آمده است. آنان از هزاران سال پیش، مقید به پوشش مناسب بوده و مردان ایرانی نیز غیرتمند بوده‌اند. در فرهنگ ایرانی، زن، مظهر عفاف و پوشیدگی است، به همین دلیل در آثار باستانی، از جمله تخت جمشید، زن ایرانی، پوشیده و با عفاف به تصویر کشیده شده است. مراسم خواستگاری، نامزدی، ازدواج، از آداب و سنت‌های ایرانی بوده و دختران و پسران ایرانی، زندگی خود را با ازدواج تکمیل شده می‌دانند. امروزه نیز، ما ایرانیان، با الهام از تعالیم اسلام، به خانواده، پاکدامنی و عفت و رعایت دقیق آداب و رسوم ازدواج، علاقه‌مند و وفاداریم و در برابر امواج سهمگین مدرنیته و فرهنگ غربی، مقاومت می‌کنیم. همچنین در مجموعه خانوادگی، احترام به والدین، بزرگسالان و بزرگان فامیل و جامعه، مهمان‌نوازی و سفره‌آرایی در میان ما ایرانیان رایج بوده و مورد توجه است.

۷- سازگاری با محیط زیست:



نیاکان ما، به خوبی قدر طبیعت و مواهب آن را می‌دانسته‌اند. به آب، خاک، خورشید، هوا، درخت و حیوانات احترام می‌گذاشتند. آنها چون در سرزمین کم‌آب زندگی می‌کردند، راه‌های مختلف به دست آوردن آب و انتقال آن را پیدا کرده بودند. قنات، سدسازی، بندهای انحرافی و نهرها از مهم‌ترین روش‌های استفاده بهینه از نعمت آب بوده است. ایرانیان به درستی راه و روش زندگی از

۱- کتاب «ایران میناتور جهان» تألیف: دکتر سیداحمد طباطبایی

مناطق کوبری، کوهستانی، جنگلی و ساحلی را فرا گرفته و طی صدها سال، خود را در مقابل حوادث طبیعی ایمن کرده بودند. این هوشمندی در ساخت و ساز ساختمان‌ها، نوع پوشش و سبک زندگی آنان و متناسب بودن آنها با شرایط محیطی، به خوبی در جای جای کشور مشهود است. در فرهنگ اسلامی، طبیعت به عنوان آیت و نشانه الهی و نعمت خداوندی می‌باشد و نمی‌توان به هر شکل و به هر میزان از آن استفاده کرده و یا آن را تخریب نمود.

«مسئله» زیربررسی و تجزیه و تحلیل کنید:

چرا علی‌رغم پیشینه فرهنگی مثبت در حوزه محیط زیست، امروزه، اخلاق زیست‌محیطی و فرهنگ حفاظت از محیط زیست و تمیز نگهداشتن محیط زندگی (مانند کوچه‌ها، خیابان‌ها، مسیر کوه پیمایی، ساحل دریا و...)، در جامعه ما ضعیف شده است؟ برای حل این «مسئله فرهنگی و اجتماعی» چه راه‌حلی را پیشنهاد می‌کنید؟ همان‌گونه که دانش‌آموزان زاپنی، مسئولیت نظافت کلاس، حیاط مدرسه و محیط اطراف مدرسه را، خود بر عهده دارند، آیا شما هم می‌توانید با برنامه‌ریزی از نظافت کلاس و مدرسه خودتان آغاز کنید؟

۸- فتوت:



فتوت، به معنای جوانمردی و ترجیح دادن دیگران بر خود، میراث گران‌بهایی از فرهنگ اسلامی-ایرانی ماست که در روزگار بحرانی جامعه ایران، به قوام و انسجام ملت ما کمک رسانده و آن را تداوم بخشیده است. روحیه فتوت و جوانمردی، به عنوان یکی از ویژگی‌های فرهنگی ایران باستان، در دوران اسلامی، با الهام از معارف قرآنی و تأسی به روش زندگانی امام علی (علیه السلام)، در بین ایرانیان نهادینه شد و تا قرن‌ها، جوانان و پهلوانان ایرانی در اصناف و پیشینه‌های مختلف، روحیه جوانمردی و مردانگی را در دفاع از مظلومان و محرومان بروز می‌داده‌اند.

فتوت و عزت نفس، از ویژگی‌های فرهنگ ما ایرانیان است که تجلی آن را در آداب و رسوم پهلوانی و ورزش باستانی می‌توان مشاهده کرد. صفاتی مانند: دلاوری، شجاعت، بخشش، زبان کسی را به سود خود نخواستن، بدی نکردن، امانت‌دار بودن، مهمان نواز بودن، فدا شدن در راه وطن و گذشتن از خویش برای دفاع از میهن، از ویژگی‌های «فتیان»، «عیاران»، «پهلوانان» و «جوانمردان» است که این صفات را در خود پرورش می‌دادند. داستان زندگانی قهرمانانی مانند «آرش کمانگیر»، «سیاوش در شاهنامه»، پوریای ولی، شهید همت، شهید حججی و از گذشته‌های دور تا کنون، بیانگر روحیات جوانمردی در بین ما ایرانیان است که سرگذشت آنان در «فتوت نامه‌ها» و کتاب‌های تاریخی ثبت شده است.

«تاریخ تمدن» خود، پارسیان را، در درستی استوار می‌بیند و آنان را افرادی مهمان نواز و بخشنده معرفی می‌کند.^۱

جوانمردی و راستی پیشه کن همه نیکویی اندر اندیشه کن

روحیه فتوت در عیاران و نیز روحیه جوانمردی در زندگی جهان پهلوان تختی به‌ویژه مسابقه او با الکساندر مدودی در فینال مسابقات کشتی ۱۹۶۲ تولیدور بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.



۹- آرمان خواهی واقع‌نگر:



ایرانیان طی قرن‌ها زندگی و تشکیل انواع حکومت، به دنبال آرمان‌های بلند همچون برقراری عدالت، آزادی، ظلم‌ستیزی و حرکت به سوی تشکیل جامعه به دور از ظلم، فساد و تبعیض بوده‌اند. ایده تأسیس یک نظام جهانی، عادل، سالم و انسانی که تحت تأثیر اندیشه مهدویت و تشکیل حکومت جهانی امام زمان (عج) بوده، همواره در روح و روان ایرانیان حضور داشته و دارد. البته این آرمان‌گرایی، هیچگاه با روش‌های خشونت‌آمیز غیرعقلانه و تجاوز به دیگران دنبال نشده، بلکه با میانه‌روی و صلح‌دوستی توأم و آمیخته بوده است.



من وقتی در باب گذشته ایران تأمل می‌کنم، از اینکه ایرانی‌ها دنیا را به نام دین یا به نام آزادی به آتش و خون نکشیده‌اند، از اینکه مردم سرزمین‌های فتح شده را قتل عام نکرده‌اند و دشمنان خود را گروه‌گروه به اسارت نبرده‌اند، از اینکه در روزگار قدیم یونانی‌های مطرود را پناه داده‌اند؛ آرامنه را در داخل خانه خویش پذیرفته‌اند؛ جهودان و پیغمبرانشان را از

اسارت بابل نجات داده‌اند؛ از اینکه در قرن‌های گذشته جنگ صلیبی بر ضد دنیا راه نینداخته‌اند و محکمه تفتیش عقاید درست نکرده‌اند؛ از اینکه ماجرای سن بار تلمی نداشته‌اند و با گیوتین سر مخالفان را درو نکرده‌اند؛ از اینکه جنگ گلاادیاتورها و بازی‌های خونین با گاو خشم‌آگین را وسیله تفریح نشمرده‌اند؛ از اینکه سرخ‌پوست‌ها را ریشه‌کن نکرده‌اند و بوئر‌ها را به مرز نابودی نکشانیده‌اند؛ از اینکه برای آزار مخالفان ماشین‌های شیطانی شکنجه اختراع نکرده‌اند و اگر هم بعضی عقوبت‌های هولناک در بین مجازات‌ها و... بوده، آن را همواره به چشم یک پدیده اهریمنی نگرسته‌اند، و از اینکه روی هم رفته ایرانی‌ها به اندازه سایر اقوام کهنسال دنیا، نقطه ضعف اخلاقی نشان نداده‌اند، احساس آرامش و غرور می‌کنم.

دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، ایران‌شناس و تاریخ‌شناس برجسته معاصر



برخی از محققان، جهانگردان و ایران شناسان، در کنار ویژگی‌ها و صفات مثبت فرهنگ ما ایرانیان، به بعضی از صفات منفی و ناپسند ما هم اشاره کرده و سعی در بزرگ‌نمایی آنها داشته‌اند؛ صفاتی مانند: ضعف فرهنگ کارگروهی، عدم انتقادپذیری، احساساتی بودن، بیگانه هراسی، تملق و دورویی، دروغ‌گویی، مصرف‌گرایی، خودخواهی و خودمداری و فردگرایی. هرچند تعدادی از این خلق و خواه، عادات و روحیات، در برخی از ما ایرانیان وجود دارد، اما اصالت فرهنگ ایرانی، نباید به این صفات فرو کاسته شود و به روحیه منفی‌گرایی - که خواسته دشمنان ایران است - دامن زده شود، بلکه باید به‌عنوان یک فرد ایرانی، برای پالایش و اصلاح خلق و خویهای منفی مذکور اقدام کنیم.

اگر آن چنان که تعدادی از مستشرقان ادعا کرده‌اند، ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان، اکثراً منفی و غیراخلاقی است، این قوم و ملت نمی‌توانست چند هزار سال در تاریخ این سرزمین، دوام آورده و تمدن‌ساز و فرهنگ‌آفرین باشد. استمرار فرهنگی ما ایرانیان در طول هزاران سال، علی‌رغم حملات شدید سایر اقوام و تندبادهای فراوان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نشانگر صفات و ویژگی‌های مثبت، امیدبخش و افتخارآفرین است که این ملت را در برابر حوادث مقاوم و پابدار کرده است. این ویژگی‌ها را باید شناخت و از آنها صیانت کرد. رمز «تداوم و پیوستگی فرهنگی»، اصالت ارزش‌های فرهنگی و «خودباوری فرهنگی» است.

شعر «سفر به خاطر وطن» را حفظ کرده و
به صورت سرود دسته جمعی اجرا کنید:
ما برای آنکه ایران، خانه خوبان شود، رنج
دوران برده‌ایم



خودباوری فرهنگی

یکی از پیام‌های بنیادین حضرت امام خمینی علیه السلام و از دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی در حوزه فکر و اندیشه، طرح شعارهایی نظیر «همه با هم» و «ما می‌توانیم» و از بین بردن روحیه «خودباختگی» و ایجاد «خودباوری» فرهنگی در جامعه ایران بوده است.

خودباوری فرهنگی به معنای شناخت فرهنگ خودی و ارزشمند دانستن عناصر و مؤلفه‌های آن، به دور از خودبزرگ‌بینی، تعصب و غرور گمراه‌کننده است. این باور، موجب اعتمادبه‌نفس شده و زمینه بهره‌مندی از شایستگی‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خودی را فراهم می‌آورد.

برخی از مبلغان و مروجان فرهنگ غرب در ایران در سده گذشته، با الگوگیری از تجربه غربیان، درصدد بوده‌اند تا با تخریب و نابودی «میراث فرهنگی» ما ایرانیان و تضعیف روحیه «خودباوری» و گسترش منفی‌گرایی، زمینه مناسب برای پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ غرب را فراهم آورند و در نتیجه، فرهنگ

جدید و اندیشه انسان مدارانه آن را در جامعه خداباور ایران، حاکم نمایند. ملتی که بی هویت شد، گذشته خود و فرهنگ بومی خویش را تحقیر می کند و از ارزش ها، هنجارها و نمادهای آن دوری می گزیند؛ فرهنگ بیگانه را بزرگ می پندارد و خود را محتاج آن احساس می کند و موفقیت خود و جامعه خویش را در پناه بردن به فرهنگ بیگانه و تشبه و تمسک به آن جستجو می کند.

ما ایرانیان، از یک سو، دارای پیشینه فرهنگی چند هزار ساله ایم و در برپایی و استمرار تمدن بشری و ساختن تمدن اسلامی، نقش آفرینی کرده ایم و هم اکنون، با انقلاب اسلامی، در صدد انتشار پیام عدالت، معنویت، عبودیت و انسانیت در جهان هستیم، و از سوی دیگر، در مواجهه نابرابر با نظام سلطه و امپریالیسم فرهنگی و رسانه ای قرار داریم، به همین دلیل، حفظ وحدت ملی و انسجام فرهنگی، خودباوری فرهنگی و باور به توانمندی ها و ویژگی های مثبت فرهنگی، در جامعه امروز ما، یک ضرورت اجتناب ناپذیر و یک رسالت ملی است.

گفتگو کنید

«خود باوری فرهنگی»، چه نقشی در تداوم و پیوستگی فرهنگی دارد؟ دستاوردهای «خودباوری» جوانان ایرانی در عرصه فناوری های نوین (مانند فناوری اطلاعات، نانو تکنولوژی، زیست فناوری، انرژی هسته ای، سلول های بنیادین و...) را از منظر فرهنگی بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.

